



بازخوانی عصمت امام در تاریخ تفکر امامیه گزارش تفصیلی کتاب عصمت امام در تاریخ تفکر امامیه تا آخر قرن پنجم

کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: کتاب ماه دین :: فروردین 1392 - شماره 186
از 39 تا 41

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/970270>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان
تاریخ دانلود : 10/04/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir



باورمند به آموزه عصمت امام است، قابل تردید نیست، اما سخن در آن است که آیا این آموزه در قرون نخستین و یا دوران حضور ائمه اطهار علیهم السلام نیز مورد باور اصحاب و یاران امامان شیعی علیهم السلام و پس از آن متکلمان سده‌های نخستین تشیع بوده است یا آنکه این آموزه عمری چندان نداشته و ساخته و پرداخته عالمان شیعی در سده‌های اخیر بوده است؟ روشن است که اگر ثابت شود این آموزه دارای پیشینه‌ای روشن نیست، اگر ثابت شود که اصحاب امامان علیهم السلام که همراه و همدان ایشان بوده‌اند، اعتقادی به این مسئله نداشته‌اند، آنگاه مجالی واسع برای خدشه در اصل این آموزه فراهم خواهد آمد.

در این میان، برخی شبهه‌گران، هشام بن حکم را مبدع اندیشه عصمت دانسته و برخی دیگر آن را دست‌پروده متکلمان مکتب بغداد در قرن پنجم دانسته‌اند. این کتاب با رویکردی تاریخی به این مسئله پاسخ داده است که نتایج آن به شرح زیر است:

بازخوانی عصمت امام

در تاریخ تفکر امامیه گزارش تفصیلی کتاب عصمت امام در تاریخ تفکر امامیه تا آخر قرن پنجم

حجت الاسلام محمد حسین فاریاب، عصمت امام در
تاریخ تفکر امامیه تا آخر قرن پنجم، قم: انتشارات موسسه
آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۱.

کتاب «عصمت امام در تاریخ تفکر امامیه تا آخر قرن پنجم» که در صدد بررسی شبهه عصمت امام (ع) می‌باشد به قلم حجت الاسلام محمد حسین فاریاب و توسط انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) در ۴۷۰ صفحه به زیور طبع آراسته شده است.

نویسنده این اثر با طرح مقدمه و با پرداختن به مباحثی همچون تاریخچه پیدایش بحث عصمت و بازتاب آن در جامعه شیعی، مفهوم عصمت، تعریف عصمت و ویژگی‌های آن، بررسی قلمرو عصمت از گناهان پیش از تصدی و پس از تصدی منصب امامت، عصمت از گناه سهوی، عصمت امام از اشتباه در امور عادی، عصمت امام از اشتباه در تبیین دین و در نهایت برهان عصمت به بحث و بررسی پرداخته است.

مقدمه

در مقدمه این کتاب می‌خوانیم: مسائل کلامی در مذاهب اسلامی از دیرباز با شبهات فراوانی مواجه بوده است که متکلمان را به پاسخ‌گویی به این شبهات وادار کرده است. گونه‌شناسی شبهات کلامی به‌ویژه در مسائل مربوط به اصل امامت نشان از این واقعیت دارد که شبهه‌افکنان در دوران معاصر به جای شبهه در خود آموزه‌های کلامی، با مطالعاتی تاریخی به القای شبهات با رویکرد تاریخی روی آورده‌اند.

در این میان، یکی از مسائلی که بسیار مورد توجه شبهه‌گران قرار گرفته است، مسئله عصمت امام است. اینان چنین شبهه می‌کنند اینکه امروزه جامعه شیعی

۱. تاریخچه پیدایش بحث عصمت و بازتاب آن در جامعه شیعی

قرآن کریم، سنت نبوی و سیره صحابه پیامبر اکرم (ص) در سال‌های آغازین ظهور اسلام تا زمان وفات ایشان، همگی از این واقعیت پرده برمی‌دارند که مسئله عصمت در آن زمان نیز مطرح بوده است، و مسلمانان، گفته‌های آن حضرت را واقعی و وحیانی و وی را از گناهان معصوم می‌دانستند؛ اگرچه شاید همه آنان در این باره اندیشه‌ای یکسان نداشتند. جامعه شیعی پس از پیامبر اکرم (ص)، با توجه به روایات متعددی که از آن حضرت درباره عصمت امامان پاک (ع)، به‌ویژه امیرالمؤمنین (ع) صادر شده بود، به‌طور غالب، عصمت امیر مؤمنان (ع) را پذیرفته بود. اگرچه در قلمرو عصمت وی، میان اصحاب و فاقی وجود نداشت، درباره عصمت امام علی (ع) از گناه و نیز از اشتباه در تبیین دین، در بدنه اصلی جامعه شیعی تردیدی نبود. امامان پاک (ع)، نقش انکارناپذیری در ترویج اندیشه عصمت امام داشته‌اند، و نخستین برهان‌های عصمت امام در روایت‌های آنان انعکاس یافته است. پس از آن، شاهد حضور همان برهان‌ها در کلمات اصحابی همچون هشام بن حکم هستیم.

با اینکه در اعتقاد اصحاب به عصمت امام، از زمان امام علی (ع) تردیدی نیست، حق این است که هشام بن حکم را نخستین کسی بدانیم که مسئله عصمت امام را به‌طور مستدل و علمی تئوریزه کرد و پای آن را به مجامع علمی عصر خود گشود. اعتقاد به عصمت در عصر حضور امامان شیعه، در دوره امامان متأخر به کمال خود نزدیک می‌شود، تا اینکه فضای جامعه شیعی درباره مسئله عصمت چنان می‌شود که حسین بن سعید اهوازی، از شاگردان امام جواد، هادی و عسکری (ع)، علمای شیعه را در قبول آن متفق می‌داند.





عصمت از گناه، خداوند عاصم است، و عبد معصم به شمار می‌آید که با اختیار خود و استفاده از لطف خدا، خویشتن را از گناه می‌رهاند. می‌توان چنین تعریفی را با همین ویژگی‌ها در کلمات امام صادق (ع) نیز یافت. پس از آن نیز متکلمان نامدار شیعه، با تعریف عصمت به لطف همین روش را در پیش گرفتند و بر الهی بودن آن تأکید کردند؛ به گونه‌ای که می‌توان مدعی شد همه متکلمانی که در حوزه پنج قرن نخست درباره عصمت نظریه‌پردازی کرده و به تعریف عصمت پرداخته بودند، بر لطف بودن عصمت تأکید داشتند. از این رو، می‌توان تعریف عصمت به لطف را، تعریف رایج آن عصر دانست.

البته درباره اینکه واژه عصمت، تنها برای اجتناب از گناهان به کار می‌رفت یا اینکه افزون بر آن، به ادای واجبات نیز اطلاق می‌شد، باید اذعان کرد که اختلافی نبود. برای نمونه، مرحوم شیخ مفید، عصمت را با توفیق مساوق و آن را هم درباره اجتناب از گناهان و هم ادای واجبات قابل استفاده می‌دانست؛ در حالی که مرحوم سید مرتضی و شیخ طوسی (ع)، عصمت را با توفیق مساوق نمی‌دانستند و ضمن جداسازی آن‌ها، عصمت را درباره اجتناب از گناهان و توفیق را درباره ادای واجبات به کار می‌بردند. همچنین غالب متکلمان امامیه در پنج قرن نخست، بر اختیاری بودن عصمت تأکید کرده‌اند؛ بدین معنا که در فرایند اجتناب از گناه معصوم، افزون بر حضور لطف الهی، اختیار معصوم در استفاده از آن نیز امری مسلم است. گفتنی است می‌توان زیباترین بیان را در این باره در کلمات شیخ مفید مشاهده کرد. در این میان مرحوم سید مرتضی، افزون بر بیان دو ویژگی یادشده، سه ویژگی دیگر نیز به این ویژگی‌ها افزود که عبارت‌اند از: متکامل بودن عصمت؛ منحصر نبودن آن به انبیا و امامان؛ تشکیکی بودن آن.

۴. قلمرو عصمت

با توجه به مباحث صورت گرفته در آثار اندیشمندان امامیه، سیر تطور نظریات آنان را در بحث قلمرو عصمت می‌توان با این عنوان‌ها بررسی کرد:

الف - عصمت از گناهان پیش از تصدی منصب

امامت

تفکیک در مسئله عصمت از گناهان، میان زمان پیش و پس از تصدی منصب امامت، در عصر امامان پاک (ع) به چشم نمی‌آید، و تأکید ایشان و یارانشان بر تثبیت اصل مسئله عصمت، در این دوره بوده است. بر اساس منابع موجود، به نظر می‌رسد این مسئله تا زمان مرحوم شیخ صدوق مطرح نبوده است، و در طول حیات فکری ایشان، به تبع بحث از گناهان صغیره و کبیره، تفکیک عصمت پیامبران مطرح و به عصمت امام نیز کشیده شد. مرحوم صدوق، ضرورت عصمت پیامبران و به تبع آن، امامان را از برخی گناهان صغیره، پیش از تصدی منصب امامت، نفی و پس از او شیخ مفید نیز همین نظریه را اختیار کرد. پس از ایشان، مرحوم سید مرتضی



پس از پایان دوران حضور امام (ع) و آغاز دوران غیبت حضرت مهدی (ع)، جامعه شیعی به طور عمده حضور دو جبهه فکری، با دو گرایش متفاوت را در خود احساس می‌کرد. جبهه نخست در اختیار محدثان امامیه، به ویژه محدثان مدرسه و حوزه قم و ری بود، و جبهه دوم در اختیار متکلمان امامیه، به ویژه متکلمان مکتب بغداد. اندیشه‌های محدثان از روایات اهل بیت (ع) فارغ از بررسی‌های عقلانی آن سرچشمه می‌گرفت. با وجود آن، جامعه حدیثی، از زمان غیبت امام (ع) تا قرن پنجم هجری را به حق باید معتقد به آموزه عصمت امام از گناه دانست، و این مدعا با مراجعه‌ای کوتاه به آثار محدثانی همچون برقی، صفار، کلینی، ابن بابویه، شیخ صدوق، ابن قولویه و نعمانی ثابت می‌شود. برای نمونه، مرحوم شیخ صدوق با وجود اعتقاد به نظریه سهوالتبی (ع)، از باور خود به عصمت امامان از گناه دست نکشیده و در کتابی همچون الاعتقادات فی دین الامامیه آن را مطرح کرده، که در حقیقت از دیدگاه وی چنین اعتقاداتی، اندیشه جامعه شیعی است. افزون بر آن، وجود روایت‌هایی درباره عصمت امامان در آثار این بزرگان، دلیل دیگری بر اعتقاد آنان به عصمت امام از گناه است. اندیشه‌های متکلمان بغداد، عمدتاً همراه با عقل‌گرایی و نقد احادیث بوده است. از این رو، شاهد بیشترین استدلال‌ها و برهان‌های عصمت امام اعم از عقلی و نقلی در این حوزه فکری هستیم. روشن است که نباید انتظار داشت مسئله عصمت، با همه جزئیات خود در عصر حضور امام (ع) منعکس شده باشد. از این رو، رشد و تکامل تبیین عصمت، در قرون بعد، به ویژه به دست متکلمان مکتب بغداد رخ داد.

۲. مفهوم عصمت

مفهوم عصمت در طول قرون اولیه شکل‌گیری جامعه شیعی به طور غالب بر عصمت از گناه اطلاق می‌شد. این نحوه اطلاق در سخنان امامان پاک (ع) و نیز کلمات اصحاب همسان بود. با وجود این نباید از روایاتی (اگرچه اندک) که ضمن آن‌ها مفهوم عصمت درباره خطا و اشتباه نیز به کار رفته است، غافل شد. چنین کاربردی اگرچه در کلمات صحابه و یاران امامان پاک (ع) حضور چندانی ندارد، به تدریج در کلمات برخی محدثان، همچون شیخ صدوق (ع) و پس از وی متکلمانی همچون شیخ مفید و دیگران جایگاه خود را به دست آورد؛ تا آنجا که در پایان قرن پنجم هجری و پس از وفات مرحوم نوبختی، وقتی سخن از مفهوم عصمت به میان می‌آید، دیگر نمی‌توان آن را به عصمت از گناه منحصر کرد.

۳. تعریف عصمت و ویژگی‌های آن

لغت‌شناسان نامی اسلام، هنگام بررسی معنای لغوی واژه «عصم» و «العصمة» چند مؤلفه معنایی برای آن بیان کرده‌اند؛ از جمله آنکه فعل «عصم» به معنای دفع، منع یا حفظ است. این فعل، متعدی است و مطاوعه آن افعالی همچون «اعتصم» و «استعصم» است. از این رو، در فرایند اجتناب و



و شاگردان وی، یعنی کراجکی، حلبی و شیخ طوسی، با تأکید بر ضرورت عصمت امام از گناهان پیش از تصدی منصب امامت، رویکردی جدید به مسئله عصمت داشته‌اند که تاکنون نیز ادامه دارد.

ب - عصمت از گناهان پس از تصدی منصب امامت

یکی از مسائل مورد اتفاق اندیشمندان امامیه در این قرون و حتی امروز، ضرورت عصمت امام (ع) از گناه پس از تصدی منصب امامت است که تصریح به این مسئله، دست کم از دوران امامان پاک (ع) مطرح بوده و تا به امروز نیز ادامه داشته است.

ج - عصمت از گناه سهوی

مقصود از گناهان سهوی، افعال قبیحی است که فاعل، آن را بدون علم و قصد انجام می‌دهد؛ درحالی که تا پیش از شیخ صدوق (ع)، متکلمان امامیه تصریح یا اشاره‌ای به عصمت امام از چنین گناهانی نداشتند. مرحوم شیخ مفید، به صراحت امام را از چنین گناهانی معصوم می‌داند، و می‌توان همین نظریه را در صورتی که صدور آن گناهان، موجب رویگردانی مردم از امام شود، به مرحوم سید مرتضی نسبت داد. در میان شاگردان مرحوم سید یعنی حلبی و طوسی تنها شیخ طوسی به صراحت نظریه عصمت امام از این گناهان را مطرح می‌کند، و این نظریه، پس از وی نیز تا به امروز نظریه غالب شیعه امامیه به‌شمار می‌آید.

د - عصمت امام از اشتباه در امور عادی

به نظر می‌رسد تبیین این مسئله در عصر امامان پاک (ع)، دغدغه اصلی خود ایشان و نیز یارانشان نبوده است؛ زیرا مطلب خاصی در این باره به دست نیامده است. از کلمات محدثان نیز نظریه روشنی در اختیار نداریم. اما در میان متکلمان، باید مرحوم سید مرتضی را نخستین کسی دانست که به صراحت درباره این مسئله نظریه پردازی کرده و پیامبران و به تبع آن، امام را از چنین اشتباهاتی معصوم ندانسته است. البته لازمه کلمات مرحوم ابن قبه و نیز شیخ صدوق (ع) و شیخ مفید نیز نفی ضرورت عصمت امام از اشتباه در امور عادی است. ابوالصلاح حلبی، درباره این مسئله نظریه‌ای را ابراز نکرده، و لازمه کلام مرحوم کراجکی و تصریح کلام مرحوم شیخ طوسی، قول به ضرورت نداشتن عصمت از چنین اشتباهاتی است. باین حال، اطلاق کلام مرحوم اسدآبادی موجب می‌شود وی را تنها کسی بدانیم که در حوزه پنج قرن نخست هجری قمری، عصمت امام از اشتباه در امور عادی را باور داشته است. با توجه به آنچه گذشت، باید مدعی شد که فضای حاکم بر جامعه شیعی، تا پایان قرن پنجم هجری بر معصوم دانستن امام از اشتباه در امور عادی استوار نبوده است.

ه - عصمت امام از اشتباه در تبیین دین

از آنجاکه جامعه شیعی و نیز اندیشمندان آن، یکی از اهداف نصب امام را تبیین دین پس از رسول خدا (ع) می‌دانند، همگی بر این نظر اتفاق دارند که امام، ضرورتاً از اشتباه در تبیین دین معصوم است. یاران امامان پاک (ع) به دفعات با سخنان خود، اعتقاد خود را به این مسئله اعلام و محدثان و متکلمان امامیه نیز از این قبه رازی تا مرحوم نوبختی به آن تصریح کرده‌اند.

ج - برهان‌های عصمت

جامعه شیعی، آن هنگام که مدعایی را شاخصه مذهب خود می‌شمرد، در مبرهن ساختن آن می‌کوشید. در سطور پیشین گفتیم که نخستین براهین اقامه شده برای اثبات عصمت امام را باید به خود امامان پاک (ع) منتسب دانست. پس از آن باید از هشام بن حکم، صحابی معروف امام صادق (ع) یاد کرد که به اقامه برهان‌هایی عقلی و نقلی برای اثبات عصمت امام (ع) همت گماشت. متکلمان مکتب بغداد را باید به حق در ارائه برهان‌های متعدد عقلی و نقلی برای اثبات عصمت امام تحسین کرد و ستود؛ چنان که شیخ مفید (ع) را نیز باید در این باره مبتکر براهین عقلی و نقلی فراوانی دانست. برهان امتناع تسلسل، که بر پایه دلیل نیاز به امام استوار است را بسیاری از متکلمان از جمله صدوق، مفید، سید مرتضی، حلبی، کراجکی، نوبختی و شیخ طوسی با تقریرهایی مشابه اقامه کرده بودند. پس از این برهان، برهان حفظ شریعت، بیشترین حضور را در آثار متکلمان امامیه در پنج قرن از آن خود کرده است؛ به گونه‌ای که شروع آن با سید مرتضی و تعالی آن با مرحوم نوبختی و شیخ طوسی بوده است.

برهان پیشوا بودن امام نیز پس از این دو برهان حضور نسبتاً زیادی در آثار متکلمان یاد شده داشته است، و می‌توان مرحوم سید، کراجکی و شیخ طوسی را از استدلال کنندگان به این برهان به‌شمار آورد. متکلمان برهان‌های عقلی دیگری نیز اقامه کرده‌اند که هر کدام از آن‌ها با توجه به مفاد خود، قادر به اثبات بخشی از قلمرو عصمت‌اند.

از میان برهان‌های نقلی، آیاتی همچون آیه ابتلا و اولی الامر و حدیث تقلید از برهان‌های نسبتاً پر کاربرد در آثار متکلمان به‌شمار می‌آیند، و در این میان باید مرحوم حلبی را در استفاده زیاد از آیات قرآن برای اثبات عصمت امام، منحصر به فرد دانست. گفتنی است کتاب «عصمت امام در تاریخ تفکر امامیه تا آخر قرن پنجم» اثر حجت الاسلام محمد حسین فاریاب از دانش آموختگان موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) است که عنوان اثر برگزیده هجدهمین جشنواره کتاب سال دانشجویی سال را به خود اختصاص داده است.